نگاهی جامعه‌شناختی به رویدادهای سال ۸۸ در آستانه ۹ دی

بیماری اجتماعی یا جنبش مردمی؟

■ مریم اهتمام

برخی مدعی هستند که فتنه ۸۸ یک «جنبش مردمی» حاصل تناقض میان ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ایران بوده که مهار شدنی نیست و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این در حالی است که بعضی دیگر از تطبیق شاخص‌های «بیماری اجتماعی» با این پدیده اجتماعی سخن می‌گویند.

چندی پیش رهبر انقلاب، با یادآوری وقایع تلخ فتنه ۸۸ فرمودند: «این فتنه، «بیماری اجتماعی» بود که با حضور عظیم مردمی دفع شد.» در دیدگاه رهبر انقلاب، فتنه ۸۸ بیماری و عفونت ویروسی بود که در بخشی از بدنه (هرچند کوچک) جامعه پیدا شد و با داشتن سابقه حداقل ۱۰ ساله، در شرایط اجتماعی و سیاسی خاص آن زمان فرصت بروز و کنشگری یافت. با این مبنا بود که از زمان پیدایش تا رفع بیماری، رهبر انقلاب در سخنان خود به علل این بیماری اشاره‌هایی داشته‌اند تا عموم جامعه آگاه باشند؛ «ساده‌اندیشی و هوس‌زدگی، قدرت‌طلبی و سهم‌خواهی بیش از حد، مبارزه افراطی برای کسب قدرت سیاسی به گونه‌ای که حقیقت، قربانی قدرت گردد از سوی عده‌ای از خواص دنبال شد که همین عطش موجب گردید دنیا را از دریچه قدرت‌خواهی و سهم‌طلبی بنگرند که اگر در ساخت سیاسی قدرت حضور نداشته باشند یا از آن کنار گذاشته شوند، فتنه‌ها به‌پا کنند و همه چیز را به آشوب کشند.»

همچنین ایشان جایی دیگر تأکید کردند: «اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر رودربایستی‌ها، ضعف‌های شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر مردمی بودنِ مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلیِ از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلیِ هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهریِ جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا: مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.»

از نگاه رهبر انقلاب، حسادت، بغض و دشمنی، نتیجه یک دهه تلاش براندازانه بود که از سوی عده‌ای خواص در قالب ایجاد فتنه و فضای ابهام‌آلود پیگیری شد. در واقع فضای انتخاباتی حاکم بر جامعه در آن زمان فرصت مناسبی شد تا آن را بروز دهند و بیماری بخشی از بدنه، علائم بیرونی خود را ظاهر سازد. در ادامه به بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی این وضعیت بیماری اجتماعی پرداخته و پس از آن، این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت که فتنه ۸۸ را می‌توان در کدام قالب «بیماری اجتماعی» و یا «جنبش مردمی» تعریف کرد؟

مؤلفه‌های معرف فتنه ۸۸ به عنوان یک بیماری:

۱ـ ضدیت با ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه و سعی در تضعیف آنها

در وضعیت بیماری اجتماعی، فرد یا جریان بیمار، ارزش‌های موجد همبستگی جامعه را به یک باره نقض و ارزش‌های خاص خود را مد نظر قرار می‌دهد، حتی اگر بافت کلی جامعه با ارزش‌های آنان نامأنوس و یا در ضدیت باشد. حال آنکه همین ارزش‌های فراگیر حاکم بر جامعه، منبع اصلی وفاق و پیوستگی جامعه ایرانی است که حتی دشمنان سیستم نیز به آن اشاره دارند.

۲ـ عدم تعقل

بخشی از این بیماری، ساده‌اندیشی و عدم تعقلی بود که هم در کنش خواص و هم کسانی که تحت تأثیر آنها قرار داشتند، وجود داشت. عدم تعقل و فرهنگ سیاسی برخاسته از آن، عنان کنش را به دست احساسات رادیکال می‌سپارد و همین سلطه احساسات باعث می‌شود که به جای اینکه منافع و اهداف واقعی جامعه در نظر گرفته شود و رفتارهای مدنی را با آن بسنجند، غلبه احساسات برانگیخته شده را بر کنش‌های خود بپذیرند و رفتارهای سیاسی‌شان به صورت واکنش‌های عاطفی بروز کند، بدون اینکه پیامدهای مثبت و منفی آن رفتارها در رابطه با حقایق جامعه و منافع ملی محاسبه شده باشد. در این شرایط نیروهای خارجی مخالف سیستم در قالب جنگ نرم با پدیدآوردن صحنه‌های احساسی می‌توانند هیستری [نوعی بیماری روانی] جمعی ایجاد کنند و مدیریت رفتارهای مدنی را در اراده خود بگیرند و به بیان دقیق‌تر با جایگزین کردن واکنش‌های احساسی رفتارهای غیرمدنی ایجاد کنند. از این رو در این وضعیت رفتارهایی مشاهده می‌شود که کاملا با معیارها و فرم کنش عقلانی فاصله دارد و این روند عقلانیت‌زدایی و گسترش هیستری جمعی منجر به آن می‌شود که عده‌ای حتی به ارزش‌های ملی و دینی خود اهانت کنند.

در وضعیت بیماری اجتماعی، فرد یا جریان بیمار، ارزش‌های موجد همبستگی جامعه را به یک باره نقض و ارزش‌های خاص خود را مد نظر قرار می‌دهد، حتی اگر بافت کلی جامعه با ارزش‌های آنان نامأنوس و یا در ضدیت باشد. حال آنکه همین ارزش‌های فراگیر حاکم بر جامعه، منبع اصلی وفاق و پیوستگی جامعه ایرانی است که حتی دشمنان سیستم نیز به آن اشاره دارند.

۳ـ مخالفت صرف

در وضعیت بیماری اجتماعی در بخشی از بدنه جامعه، عده‌ای وجود دارند که رفتارهای اجتماعی آنها در تمام دوران‌ها مخالفت با همه مظاهر و بودگی‌های اجتماعی است، به صورتی که با هر سیاستی که توسط غیر از خودی اتخاذ شده باشد، به سرعت مخالفت می‌شود، حتی اگر تجربه نشان دهد که آن سیاست به نفع منافع عمومی اجتماعی است و جامعه همراه و هماهنگ با سیاست خاص سیستم است و در سیکل تعاملی حکومت - جامعه همه تلاش‌ها در جهت حل نقاط ضعف و بهبود شرایط است. ضمن اینکه غالبا مخالفت‌ها در اکثر اوقات بدون ارائه سیاست بدیل و برنامه راهنمای خاص دیگر است، یعنی هیچ ارائه راه‌حلی وجود ندارد و دور باطلی از مخالفت در رفتار و گفتار این کنشگران مشاهده می‌شود.

۴ـ خودمحوری و سهم‌خواهی افراطی از قدرت

در این شرایط عده‌ای در مواجهه‌های شخصی بدون ملاحظه نظرها و اهداف دیگر اعضای جامعه، تمایل‌ها و اغراض شخصی خود را بر دیگر اعضا ترجیح می‌دهند، در درون جامعه خود، فقط دیدگاه‌ها و خواسته‌های گروه، طبقه و یا همفکران خود را برحق و درست می‌دانند. در فضای انتخاباتی جامعه نیز این رفتار بدین صورت نمایان می‌شود که عده‌ای رأی خود را برتر و به طور حتم بیشتر می‌دانند و انتظار دارند کل جامعه با نظر آنان موافق باشند. وجه غالب خودمحوری و خودخواهی سهم‌خواهی هرچه بیشتر از قدرت سیاسی درون جامعه است که در عمل نیز قدرت‌خواهی مداوم را سبب می‌شود و زمانی که اکثریت آرای جامعه شامل شخصی غیرخود می‌شود، با برنامه‌ریزی‌های قبلی بمباران انگاره‌سازی‌های کاذب و پخش آنها در جامعه به سرعت آغاز می‌شود در حالی که بعضی از این انگاره‌ها مثل «تقلب» که به گستردگی مطرح می‌شود، نخست متوجه سطوح مختلف همین جامعه‌ای است که آنها را مخاطب قرار داده‌اند، چرا که انتخابات از ابتدا تا انتها توسط اعضای جامعه برگزار می‌گردد.

۵ـ تقلید از خواص

*** سران فتنه هرچند هوادارانی در گوشه و کنار جامعه داشتند، اما قادر نبودند در برقراری ارتباط دوسویه میان مردم و خواص تأثیرگذار باشند. بنابراین اشتباهات، چشم‌پوشی و خیالبافی بسیار نیاز است تا وضعیت خاص آن زمان تعبیر به جنبش شود و اساسا این موضوع از نظر علوم اجتماعی و از منظر دیدگاه واقع‌بینی مردود است، آنچنان‌که وضعیت اجتماعی ایران پس از دفع بیماری نشان می‌دهد که بدنه کلی و اصلی جامعه پس از شوک اولیه از بروز این وضعیت درصدد رفع و دفع آن برآمد.**

بخشی از این بیماری مولود پیروی ناآگاهانه از سران جریان‌آفرین در همان زمان بود. بخشی از بدنه متأثر از فضای تبلیغاتی سنگین و فراگیر رسانه‌های خارجی در پی شکست انتخاباتی کاندیدای مورد نظر خود، بدون تأمل در اغراض و انگیزه‌های این تبلیغات به دنبال احساسات تهییج و دست‌کاری شده خود در پی اجرای فرامین خواص برآمدند که البته در بسیاری از موارد پشیمانی زودهنگام بر رفتار کنشگران مستولی گردید.

۶ـ عطش ایجاد بی‌نظمی و نقض قوانین

در وضعیت بیماری اجتماعی همه کنش‌ها به سرعت منجر به پدید آمدن بی‌نظمی وسیعی در حوزه کنش می‌شود. به همین دلیل اوباشی‌گری همواره در این کنش‌ها وجود دارد و در واقع اوباشی‌گری فرم غالب و شاکله‌بندی اعتراض را دربر می‌گیرد. افراد اوباش از فضای بی‌نظمی به وجود آمده در اجتماع استفاده کرده و ذیل فضای ایجاد شده به دنبال چیزی هستند که شاید دقیقا ماهیت آن را هم ندانند. به این ترتیب افراد اوباش در کنش‌ها برساخته [ساختگی، مصنوعی، غیرواقعی] می‌شوند. از سوی دیگر دوگانگی‌های شدید این انتخابات نظیر رد چارچوب‌ها و ساختارهای قانونی از طرف کسانی که با شعارهای قانونی وارد انتخابات شده بودند و رد مشروعیت نهادهایی که با پذیرش آنها وارد چرخه انتخابات شدند، نظیر ستاد انتخابات و شورای نگهبان، تغییر موضع سوسیالیست‌های دهه ۷۰ به لیبرالیست، نفی شعارهای اصلی خط امام(ره) مثل ایستادگی مقابل آمریکا و حمایت از فلسطین و عدم محصور شدن در چارچوب مرزهای ملی در کنار انتساب خود به امام(ره) و خط امام(ره) و تغییر موضع بعضی از عناصر درون نظام به اپوزیسیون و تلاش برای استفاده از مزایای درون نظام بودن، ضمن رد مشروعیت ولایت فقیه، مجلس، ستاد انتخابات، دستگاه قضایی و قوه قضائیه فضایی آنومیک [بی‌هنجاری] را رقم زد که بسیاری را دچار بی‌هنجاری کرد که این مسئله با دعوت به راهپیمایی‌های بی‌مجوز، فشار رسانه‌ای، مطبوعاتی و شبکه اجتماعی شکل گرفته در دوران انتخابات و بیانیه‌های احساسی بر ایجاد پتانسیل رفتارهای ناهنجار پرخاشگرانه افزود.

بخشی از این بیماری، ساده‌اندیشی و عدم تعقلی بود که هم در کنش خواص و هم کسانی که تحت تأثیر آنها قرار داشتند، وجود داشت. عدم تعقل و فرهنگ سیاسی برخاسته از آن، عنان کنش را به دست احساسات رادیکال می‌سپارد.

۷ـ آسیب‌رسانی و خشونت

اعتراض بیش از حد و خشونت، جزءِ جدایی‌ناپذیر رفتارهای معلول بیماری اجتماعی است و تخریب اماکن، اموال عمومی، ساختمان‌ها، آتش زدن و... در خزانه کنشِ کنشگران قرار دارد.

۸ـ برانگیختگیِ آنی و به شدت هیجانی

در رفتارهای اجتماعی که حاوی مقادیر بسیاری از هیجانات جمعی است، پایان کار با سرعت به نقطه‌ای می‌رسد که از آن به بعد فعالیت‌ها آهسته و سپس خاموش می‌شوند و به توقف اضطراب‌آمیز می‌رسند. پایان فعالیت‌های پرهیجان سیاسی، با مکانیسم‌هایی از قبیل نهادینه شدن اجلاس‌های سیاسی و انتخابات متعاقب آن همراه هستند. به لحاظ عملی، در صورت وجود سلامت اجتماعی در تمامی سطوح جامعه، فعالیت سیاسی اجتماعی در جریان انتخابات، با برگزاری انتخابات و انتخاب کاندیدا می‌بایست خود به خود پایان می‌یافت اما وقایع پس از آن این‌گونه نشان می‌داد که از قبل چنین برنامه‌ریزی‌هایی برای افکارسازی، جریان‌آفرینی و عیب‌جویی افراطی به طور عمد وجود داشته است.

جنبش مردمی یا بیماری اجتماعی؟

برخی واژه‌ها از بار معنایی خاصی در علم جامعه‌شناسی سیاسی برخوردارند که الزام می‌دارد کاربرد این واژه‌ها برای شناسایی یا توضیح برخی تحولات و رویدادها، با توجه به همان بار معنایی واقعی آنان صورت پذیرد؛ تا موجد ابهامات و شبهاتی درباره خود آن رویداد نشود. واژه «جنبش» (Movement) یا «جنبش اجتماعی» (Social Movement) از جمله این واژه‌ها هستند. تعاریف این واژه دربردارنده موضوعات زیر است:

۱. جنبش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی عرضه می‌کنند و بر آرمان شهر مورد نظر برای تکوین نظم نوین اجتماعی، تأکید می‌ورزند.

۲. جنبش‌ها دارای تشکل، سازماندهی و شبکه‌های ارتباطی مداوم هستند.

۳. جنبش‌ها دارای پایداری و استمرارند.

عنصر آگاهی در جنبش‌ها وجود دارد و نقش هویت‌بخشی دارند. همچنین یک‌سری ویژگی‌های مشترک در تعریف جنبش‌ها وجود دارد که اگر محقق نشود، آنگاه با دیگر موضوعات اجتماعی خلط مبحث شده و اشتباه گرفته می‌شود. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱ـ داشتن اهداف مشخص، اولویت‌بندی شده و تا حد امکان قابل دسترس؛

۲ـ وجود هویت مشترک و یک ایدئولوژی حداقلی که وحدت، همبستگی و انسجام درونی را باعث شده، هدف را توجیه و مشروع ساخته و برنامه و راهکار چگونگی دستیابی به هدف را به‌صورتی ساده ترسیم کند.

۳ـ داشتن رهبر یا کادر رهبری کارآمد که مورد اطاعت و پذیرش اکثریت قریب به اتفاق اعضا و حامیان جنبش باشد.

با توجه به تعاریف بیماری اجتماعی و جنبش اجتماعی اکنون می‌توان بررسی تطبیقی انجام داد که آیا حوادث سال ۸۸ در جامعه ما در مؤلفه بیماری تعریف می‌شود و یا جنبش؟ در وضعیت ویژه آن زمان عده خاصی که مسئله‌آفرینی کردند، هدف واحد و مشخصی را دنبال نمی‌کردند و برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منسجمی نداشتند؛ در صورتی که اهداف یک جنبش دستاوردهای ملموس و مشخصی هستند که جنبش در پی دستیابی به آنها است. این اهداف باید برای جمعیتی که از طرفداران بالقوه جنبش محسوب می‌شوند، معتبر بوده و بخش‌های وسیعی از آنان را با یکدیگر متحد کند؛ از نظر امکان موفقیت و نیل به حصول، اولویت‌بندی شده باشد؛ ضمن آنکه در کنار اهداف نمادین، باید دستاوردهایش نیز از نظر بهبود اجتماعی قابل‌مشاهده باشد.

گروه‌های جریان‌آفرین آن زمان از نظر عقیدتی و ایدئولوژیکی نیز طیف ناسازگار و ناهماهنگی را تشکیل می‌دادند؛ چنان‌که در یک سر طیف معتقدین به سکولاریسم و لیبرالیسم غربی و مخالفان نظام ولایت فقیه و در سر دیگر طیف، ارزش‌گرایان منتقد و حتی برخی از یاران نزدیک امام(ره) قرار داشتند. همچنین این جریان از رهبری واحد و مشخصی برخوردار نبود. کادر رهبری و سیاست‌گذاری واحدی بر این جریان حاکمیت نیافت و مهم‌تر از همه، قادر به جذب اعضا از میان طبقات مردم نبود.

آنان هرچند هوادارانی در گوشه و کنار جامعه داشتند، اما قادر نبودند در برقراری ارتباط دوسویه میان مردم و خواص تأثیرگذار باشند. بنابراین اشتباهات، چشم‌پوشی و خیالبافی بسیار نیاز است تا وضعیت خاص آن زمان تعبیر به جنبش شود و اساسا این موضوع از نظر علوم اجتماعی و از منظر دیدگاه واقع‌بینی مردود است، آن چنان که وضعیت اجتماعی ایران پس از دفع بیماری نشان می‌دهد که بدنه کلی و اصلی جامعه پس از شوک اولیه از بروز این وضعیت درصدد رفع و دفع آن برآمد و باید توجه داشت که اصل کلی و واقعی این است که بیماری علائم حیاتی جامعه را نشان نمی‌دهد بلکه به لحاظ علمی، بیماری اجتماعی، کژ کارکردی جزئی از سیستم را نشان می‌دهد که در صورت عدم رفع و دفع عظیم ملی به خطرات اجتماعی بی‌شمار و گاهاً غیرقابل جبران خواهد انجامید.

منبع: برهان

کارت شناسایی خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۴۸۸ الف ۲۲- ایران ۲۸ به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۱۸۷۷۱ و شماره شاسی ۸۱۰۱۶۷۴۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۵۵۹ الف ۱۳- ایران ۶۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۱۴۳۵۴ و شماره شاسی ۴۰۴۰۷۸۳۰ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی پیکاب مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۴۴۲ الف ۱۱- ایران ۶۲ به شماره موتور ۲۴۸۸۸۱۷۴ و شماره شاسی ۴۱۲۳۲۰ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۵۵۳ الف ۱۳- ایران ۶۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۱۸۴۸۸ و شماره شاسی ۴۰۴۰۹۶۵۴ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی، سند مالکیت و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۸۷۳ الف ۱۲ به شماره موتور ۲۲۸۲۸۲۰۴۳۰۰ و شماره شاسی ۸۲۸۰۶۳۵۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی، سند مالکیت و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۹۱۴ الف ۲۸- ایران ۲۲ به شماره موتور ۲۲۵۲۸۰۱۱۶۳۰ و شماره شاسی ۸۱۳۰۱۲۴۵ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۹۵۸ الف ۱۲- ایران ۲۲ به شماره موتور ۲۲۸۲۸۲۰۳۹۹۳ و شماره شاسی ۸۲۸۰۶۳۵۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۹۲۲ الف ۲۷- ایران ۲۲ به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۱۸۸۶۹ و شماره شاسی ۰۰۸۱۰۱۶۶۲۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

تاریخ انتشار: ۹۶/۱۰/۷

آگهی دعوت (نوبت اول)

جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان بروجرد روز پنج‌شنبه مورخ ۹۶/۱۰/۲۸ به ترتیب راس ساعت ۹ و ۱۰ صبح در محل پژوهش‌سرای جابربن حیان واقع در خیابان شریعتی ۱۸ متری بالا روبروی مدرسه استعدادهای درخشان شهید بهشتی برگزار، لذا از کلیه نمایندگان اعضاء دعوت بعمل می‌آید در جلسه مذکور حضور به‌هم رسانند. ضمنا داوطلبان تصدی سمت هیئت مدیره و بازرسی ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی دعوت می‌توانند جهت ثبت‌نام به واحد تعاون این اداره واقع در خیابان دکتر فاطمی نبش خیابان شهید مقدسی مراجعه نمایند.

الف) دستور کار جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده:

۱- بررسی و تصویب اساسنامه جدید تعاونی منطبق با اصلاحیه سال ۹۳ قانون تعاون

۲- دادن ماموریت به هیئت مدیره جهت ثبت قانونی اساسنامه جدید شرکت

ب) دستور کار جلسه مجمع عمومی عادی:

۱- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره مطابق اساسنامه تصویبی ۲- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل تعاونی مطابق اساسنامه تصویبی ۳- تعیین خط مشی آتی تعاونی

۴- دادن ماموریت به هیئت مدیره جهت ثبت تغییرات تعاونی

اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بروجرد

آگهی ابلاغ

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای داود میرزایی و علی‌اکبر امیدخدا

خواهان آقای/ حسین سطوتی آزاد دادخواستی به طرفیت خوانده آقایان۱- داود میرزایی و ۲- علی‌اکبر امیدخدا به خواسته تسلیم مبیع و الزام به تنظیم سند خودرو مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۸۱۱۰۴۰۰۳۵۸ شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان همدان ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ ساعت ۹:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خواندگان ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردند.

مدیر دفتر شعبه چهارم دادگاه حقوقی شهرستان همدان- یارمحمدی

سند مالکیت، کارت شناسایی خودروی نیسان پیکاب مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۷۳۶ الف ۲۲ - ایران ۲۲ به شماره موتور ۲۴۸۸۷۶۸۸ و شماره شاسی ۲۲۱۰۶۱۸۵ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۲۷۹ الف ۱۷ - ایران ۲۲ به شماره موتور ۱۲۶۸۲۰۰۳۲۴۸ و شماره شاسی ۸۲۸۲۲۸۶۴ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی، سند مالکیت و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۷۳۸ الف ۳۲ - ایران ۲۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۲۲۷۵۴ و شماره شاسی ۴۰۴۱۱۱۴۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی، سند مالکیت خودروی سواری پراید ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۷۴۸ الف ۱۱ - ایران ۲۲ به شماره موتور ۱۵۳۳۴۰۷ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۵۸۵۵۰۱۷ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

دفترچه خدمات کشاورزی روستایی (کارت کشاورزی) به شماره مسلسل ۸۹ تاریخ صدور ۱۳۸۴/۱/۱ صادره از مرکز خدمات کشاورزی ورسن گرگان به مقدار چهار (۴) هکتار واقع در روستای لمسک متعلق به اینجانب حجت‌الله پهلوانی‌نژاد فرزنداکبر شماره شناسنامه ۱۴۵۸ صادره از گرگان به شماره ملی ۲۱۲۰۳۴۶۲۱۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی ابلاغ

با احترام بدینوسیله آقای مجید کوکبی هوشیار ف احمد که فعلا مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد خانم افسانه فرهادی دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به طرفیت شما تقدیم که به کلاسه ۱۱/۹۶۰۵۵۹ح ثبت و برای روز سه‌شنبه ۹۶/۱۱/۱۷ ساعت ۹/۳۰ وقت رسیدگی تعیین گردیده، لذا مراتب جهت تقاضای خواهان در اجرای مقررات ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی همدان درج می‌گردد خوانده می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم به حوزه ۱۱۱ واقع در میدان بیمه- کوچه مشکی مراجعه و در روز و ساعت مقرره فوق در جلسه رسیدگی حاضر و هرگونه دفاعی دارد به عمل آورد و الا شورا غیابا رسیدگی و تصمیم مقتضی صادر خواهد نمود و چنانچه منبعد آگهی لازم شود یک نوبت و مدت آن ده روز خواهد بود.

شریفی- رئیس دبیرخانه
حوزه ۱۱۱ شوراهای حل اختلاف شهرستان همدان

اجرائیه

مشخصات محکوم له/ محکوم لهم: آزیتا گیتی نام پدر: پرویز نشانی: همدان- اسدآباد- خیابان رفسنجانی- بن‌بست ثبت منزل پرویز گیتی

مشخصات محکوم علیه/ محکوم علیهم: ۱- علیرضا صالحی نام پدر: محمدحسین نشانی: مجهول‌المکان ۲- رضا ملاکی نام پدر: حسن نشانی: مجهول‌المکان

محکوم به: بموجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره و شماره دادنامه مربوطه ۹۶۰۹۹۷۸۱۲۰۱۰۱۰۱۳ محکوم‌علیه هما محکوم است به پرداخت تضامنی هشتاد میلیون تومان بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ ۱۱۵۵۰۰۰ ریال بابت هزینه‌های دادرسی در حق محکوم له و مبلغ ۴۰۰۵۷۷۵۰ ریال بابت نیم عشر در حق صندوق دولت

دادرس دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان اسدآباد- فوادخانی

محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه:

۱- ظرف ده روز مفاد آنرا به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی). ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید و الا به درخواست محکوم‌له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم‌له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴).

سند کمپانی خودرو سواری پژو 405GLX-XU7-CNG به شماره پلاک جدید ۳۹۹ و ۱۹-ایران ۱۴ و شماره پلاک قدیم ۱۸۷ ص۹۹- ایران۱۴ به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل ۱۳۹۱ و شماره موتور ۱۲۴k۰۰۵۴۱۶۵ و شماره شاسی NAAM۱۱CA۱CH۳۱۴۳۹۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری پژو پارس به شماره پلاک ۷۵۲ ب ۴۳- ایران ۶۸ به رنگ مشکی- متالیک مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۱۴۷۲۷ و شماره شاسی ۸۳۸۱۳۶۳۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سفارت بنگلادش در تهران تصمیم به خرید یک دستگاه تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۷ یا ۲۰۱۸ رنگ مشکی مدل GXR ۲۷۰۰ cc به صورت تحویل در گمرک غرب تهران دارد. تامین‌کنندگان محترم می‌توانند جهت ارایه پیش‌فاکتور مربوطه تا ۱۴ روز بعد از درج این آگهی اقدام نمایند.

تهران، یوسف‌آباد شمالی، خیابان ۶۴ شرقی، کوچه یکم، خیابان دوازده متری احداثی پلاک ۷

فکس: ۹۸۲۱۸۸۶۰۵۴۴۵ + ایمیل: info@bangladoot.ir

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای عبداله علی‌محمدی دارای شناسنامه شماره ۱۳۳۰ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی محمدی به شناسنامه ۵۳۸۹۵۰۹۴۷۱ در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱۵ اقامتگاه دائمی خود در روستای کامشکان بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- زهرا علیمحمدی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۵۴۴ متولد ۱۳۵۵ (دختر متوفی)

۲- عبداله علیمحمدی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۳۳۰ متولد ۱۳۴۷ (پسر متوفی)

۳- غلامعلی علیمحمدی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۵۴۳ متولد ۱۳۵۳ (پسر متوفی)

۴- لیلا علیمحمدی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۵۴۵ متولد ۱۳۵۷ (دختر متوفی)

۵- خاور طاهری فرزند خدیجه به شماره شناسنامه ۱۲۳۱ متولد ۱۳۲۸ (همسر متوفی)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.

صمدی
قاضی شورای حل اختلاف آوج

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای رحیم خجوله

خواهان آقای محمود شهرکی فرزند حلیم دادخواستی به طرفیت خوانده آقای رحیم خجوله به خواسته مطالبه وجه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۵۵۰۱۶۰۰۳۶۷ شوراى حل اختلاف شماره ۱۶ مجتمع مرکزی شورای حل اختلاف شهرستان زاهدان ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ ساعت ۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در شورا حاضر گردد.

**مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شورای حل اختلاف شماره ۱۶ مجتمع مرکزی شورای حل اختلاف شهرستان زاهدان - مرضیه سر